

تکالیف مردم و حکومت از منظر امیرالمومنین(ع)

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گفت: برخورد امام با خوارج به رغم مشکلات اخلاقی، عقیدتی و کلامی آنان و بدعت در دین مثال زدنی است. شهید مطهری در این زمینه می گوید آنها در اظهار عقیده آزاد بودند.



عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گفت: برخورد امام با خوارج به رغم مشکلات اخلاقی، عقیدتی و کلامی آنان و بدعت در دین مثال زدنی است. شهید مطهری در این زمینه می گوید آنها در اظهار عقیده آزاد بودند. خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: یکی از پرسش‌ها اینست که همواره ذهن بسیاری از مردمان را به خود معطوف نموده، این است که چرا به رغم تلاش‌ها و سیاست‌های مستمر و خستگی ناپذیر و مجاهدت‌ها و جانپساری‌های بسیاری از مصلحان، آزاداندیشان و رهبران دینی و سیاسی عالم در جهت تشکیل چنین مدینه فاضله‌ای، این مهم تحقق و تبلور عینی و خارجی نیافته است و چرا انبیاء و اولیاء الهی و ائمه معصومین(ع) موفق نشده‌اند مأموریت و رسالت خویش را چنانکه باید در این زمینه به انجام برسانند.

حسن مهرنیا، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در گفتگو با مهر با تأکید به فرمایشات مولای متقیان، حضرت علی(ع) در کتاب گرانسنگ نهج البلاغه به بررسی اجمالی این مسئله و آسیب‌شناسی آن پرداخته‌اند؛ *وضعیت عقیدتی-سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زمانه امام علی(ع) به چه شکل بود و از نظر ایشان موانع تحقق حکومت دینی چیستند؟

حضرت علی(ع) یکی از مهمترین موانع تحقق حکومت دینی را بی وفایی و سست عنصری دینداران و متدینین و یاران و اطرافیانش می‌داند.

حضرت علی(ع) یکی از مهمترین موانع تحقق حکومت دینی را بی وفایی و سست عنصری دینداران و متدینین و یاران و اطرافیانش می‌داند. ایشان در مورد آن افراد می‌فرمایند: «اِنَّ اَئِمَّةَ الْاِیْمَانِ کَافِرٌ بِاَلِهٍ»؛ آنان بیدارانی خفته، شاهدانی غایب، ناظرانی کور، شنوندگانی کر، سخنگویانی لال، بدن‌های حاضر بی‌جان، عقلی غایب، دل‌هایی جن زده و عاری از مردانگی هستند ... آنان خیانتگران به امانت، اهل فساد و تباهی در سرزمین خویش هستند و نمی‌توان به آنها تکیه کرد و در وقت حاجت بدانها دل خوش داشت.

به علاوه، در خطبه ۲۷ نهج البلاغه آمده است که ایشان پس از شنیدن خبر حمله لشکری از طرف معاویه به شهر انبار، فرمودند: «اِنَّ اَیْمَانَکُمْ بَعْدَکُمْ»؛ بدانید که من شب و روز و نهان و آشکار، شما را به جنگ این قوم دعوت کردم، به شما گفتم که با اینان بجنگید پیش از اینکه با شما بجنگند، به خدا قسم هیچ ملت‌ای در خانه‌اش مورد حمله قرار نگرفت مگر اینکه دلیل شد.

حضرت علی(ع) در خطبه ۲۹ نیز فرموده‌اند: «اِنَّ اَیْمَانَکُمْ بَعْدَکُمْ»؛ ای مردم بظاهر متحد و هماهنگ، و از نظر آراء و آرمان، پراکنده و ناهماهنگ. لاف دلیریتان گویی سنگهای سخت را درهم شکنند، اما در عمل چندان سست و ضعیف‌اید؛ که دشمن را علیه شما برانگیزد. در نشستهایان چنین و چنان گویند و از رزم‌آوری خود دم زنید اما هنگامه کارزار، فرار را برقرار برگزینید و کین عافیت نشینید.

ایشان در خطبه ۲۹ هنگام دعوت از یاران به جهاد، خود را گرفتار مردمی دانسته‌اند که دستورشان را اطاعت و دعوتشان را اجابت نمی‌کنند و ادامه می‌دهند: «اِنَّ اَیْمَانَکُمْ بَعْدَکُمْ»؛ ای بی‌اصلها! در یاری پروردگارتان منتظر چه هستید؟ آیا دین ندارید که شما را گرد هم و یا غیرتی که به خشمستان آورد؟ در میان شما به پا خاسته‌ام و هر چه فریاد می‌کنم و یاور می‌طلبم، سختم را نمی‌شنوید و از دستورم اطاعت نمی‌کنید ... شما را به یاری برادرانتان دعوت کردم، همانند شتری که از درد بنالد آه و ناله سر داده یا همانند حیوانی که پشتش زخم باشد کندی کردید.

امام علی(ع) در لیلۃ الهیر و در مورد بحث حکمیت می‌فرماید: «اِنَّ اَیْمَانَکُمْ بَعْدَکُمْ»؛ من با کمک چه کسی بجنگم و به چه که اعتماد کنم؟ عجباً من می‌خواهم به وسیله شما بیماری‌ها را مداوا کنم، اما شما خود دردمندید.

*خصوصیات اخلاقی مردمان زمانه و یاران امام علی(ع) چگونه بود؟ چرا نتوانستند حضرت را یاری کنند؟ به نظر ایشان عمده‌ترین مشکل این مردم، جهالت و نادانی و بی‌بصیرتی آنان نسبت به وضع زمانه است که مهمترین شروط تشکیل یک حکومت دینی است و متأسفانه در دوران امامت ائمه معصومین علیهم السلام کمتر شاهد آن بودیم. انحرافات عقیدتی، بدعت‌گذاری و فقدان هویت دینی (که خود معلول غلبه تفکر جاهلی قومی و قبیله‌ای است)، از نظر آن حضرت از دیگر عوامل انحراف در جامعه و عدم تحقق حکومت دینی است.

دنیاگرایی و اشرافی‌گری مردمان پس از رحلت نبی مکرم اسلام(ص) و فتوحات مسلمانان در مناطقی چون عراق، مصر، شام و ایران؛ و دریافت جزیه و مالیات برای دارالخلافه از دیگر عوامل بود و رقابت‌های قومی و قبیله‌ای، کینه‌ورزی‌ها و عداوت شخصی برخی صحابه با حضرت علی در غزوات پیامبر نیز از موانع تحقق حکومت دینی بود.

*آیا امیرالمومنین(ع) امام در جهت تحقق حکومت دینی تلاش کردند؟ چه اقداماتی انجام دادند؟ امام در جهت وحدت مسلمین و تعالی آگاهی مردمان، کمک فکری می‌کردند؛ برای مثال می‌توان به کمک‌های فکری امام به خلفاء اشاره کرد. امام علیه السلام برای اینکه از انحرافات فکری و عقیدتی جامعه اسلامی ممانعت به عمل آورده و از دین اسلام پاسداری کنند، تا جایی که ممکن بوده در زمینه‌های نظامی، دینی و اعتقادی به نصیحت و خیرخواهی خلفای پیشین پرداختند.

به علاوه می‌توان به رفتار امام با امّ المؤمنین، عایشه و دفاع از حقوق همسران پیامبر(ص) به رغم صحنه

گردانی سیاست های طلحه و زبیر و خروج بر آن حضرت اشاره کرد. برخورد امام با خوارج به رغم مشکلات اخلاقی، عقیدتی و کلامی آنان و بدعت گذاری در دین مثال زدنی است. شهید مطهری در این زمینه می گوید: «زمانی که امام در رأس قدرت بود نه خوارج را که رعیت وی بودند زندانی کرد، نه شلاقشان زد، و نه سهم آنها از بیت المال را قطع کرد. بلکه آنها در همه جا در اظهار عقیده آزاد بودند»؛^۱

*از نظر مولای متقیان، وظیفه حاکمیت در قبال مردم چیست؟ امام به منظور حفظ حکومت و خلافت خود هیچگاه حاضر نشدند از طرق و ابزارهای نادرست استفاده کنند یا با دست و دل بازی در تقسیم بیت المال برای خود حامیانی به دست آورند

امام علی (ع) با مسئول دانستن حاکم زمانه در قبال مردم او را به سعه صدر و داشتن روحیه تساهل و تسامح، خوش خلقی، مشورت با زیردستان، لزوم رعایت آزادی بیان، عفو و گذشت، عدالت، قانونگرایی، و انسان مداري دعوت می کند و والیان را از غلیان احساسات، شتابزدگی و تصمیم های نابخردانه و ناروا (مثلاً در خطبه ۵۳) برحذر می دارد و از همین رو بود که جرج جرداق در وصف او می گوید: «علی علیه السلام کسی بود که به خاطر عشق به انسانیت و رستگاری و نجات آنها؛ و از فرط ترجم و دلسوزی حتی در پایان نبرد بر کشته های دشمن هم می گریست»؛^۲

امام به منظور حفظ حکومت و خلافت خود هیچگاه حاضر نشدند از طرق و ابزارهای نادرست استفاده کنند یا با دست و دل بازی در تقسیم بیت المال برای خود حامیانی به دست آورند. از نظر ایشان، عمل نادرست، فی نفسه زشت و منکر است و هیچ توجیهی نمی توان برای آن داشت.

*به نظر ایشان، وظیفه مردم در قبال حاکمیت چیست و چه تبیینی داشتند؟ از نظر امام، در حکومت دینی هر یک از شهروندان و تبعه دولت متقابلاً در قبال حکومت های خود از تکالیفی برخوردارند و در قبال گمراهی و عقب ماندگی جامعه مسئول هستند. مؤمنان و مسلمانان باید همیشه هوشیار بوده و با برخورداری از آگاهی و بصیرت دینی و سیاسی، آزادمنشی و عدالت خواهی، روحیه استکبارستیزی و حق طلبی، ایثار و فداکاری، و همچنین شجاعت جهاد در راه خدا، پشتوانه ای محکم برای تحقق شعار و آرمانهای دینی و انقلابی باشند.

هر حکومتی در معرض اشتباه و انحراف است و نباید هیچ زمامدار و کارگزاری را مصون از اشتباه دانست؛ بلکه باید پیوسته از آنان پرسش نموده و سوال کرد تا مبادا به سمت خودرأیی و تجاوز و طغیان گرایش پیدا نموده و فعال مایشاء و فاعل مایرید گردند

به نظر ایشان، هر حکومتی در معرض اشتباه و انحراف است و نباید هیچ زمامدار و کارگزاری را مصون از اشتباه دانست؛ بلکه باید پیوسته از آنان پرسش نموده و سوال کرد تا مبادا به سمت خودرأیی و تجاوز و طغیان گرایش پیدا نموده و فعال مایشاء و فاعل مایرید گردند و قدرت آنان را مرعوب خود سازد؛ زیرا «من استبد برأیه زل»^۳ و «الاستعداد الاستبداد»^۴؛ و با «من استبد برأیه هلك»^۵؛ چنانکه می دانیم، حضرت علی(ع) در دوران حیات مبارک خویش صرفاً به دنبال اجرای حدود و قوانین الهی و جلب رضای حق بود و در راه نیل جامعه انسانی به آزادی و آزادگی از هیچ کوششی فروگذار نکرد و هرگز حاضر نشد برای جیفه بی ارزش دنیا از حدود الهی تجاوز کند. از سوی دیگر، اشاره نمودیم که در زمانه آن حضرت، بی فای و بدعهی و بی بصیرتی یاران و اطرافیان امام شرایطی را فراهم آورده بود که عملاً تحقق حکومت دینی امکانپذیر نبود. یاران و اطرافیان امام در این دوران چنان گرفتار عواطف و احساسات قومی و مذهبی و تعلقات مادی شده بودند که امیدی به اصلاح آنان نبود. از سوی دیگر، آن عده افراد با بصیرت و آگاه و مریدان وفادار اندکی که در کنار آن حضرت بودند نیز به تدریج از میان برداشته شدند و او را یار و یاورى نماند.

البته این وضعیت و شرایط تنها مختص دوران امام علی (ع) نبوده؛ بلکه در دوران حیات پربار سایر ائمه علیهم السلام و نیز در طول تاریخ و دوران حیات انبیاء عظام الهی نیز چنین بوده است و پیوسته حزب الشیطان موانعی را بر سر راه آنان نهاده و مانع از تشکیل حکومت عدل الهی شده اند. آنان کار را به جایی رسانده اند که اینک عده ای از همان دنیاطلبان و دین گریزان، عدم الوجدان را دلیل بر عدم وجود رابطه میان دین و دولت دانسته و از لزوم به حاشیه راندن دین و گرایش به سمت یک زندگی مادی و سکولار دم می زنند.